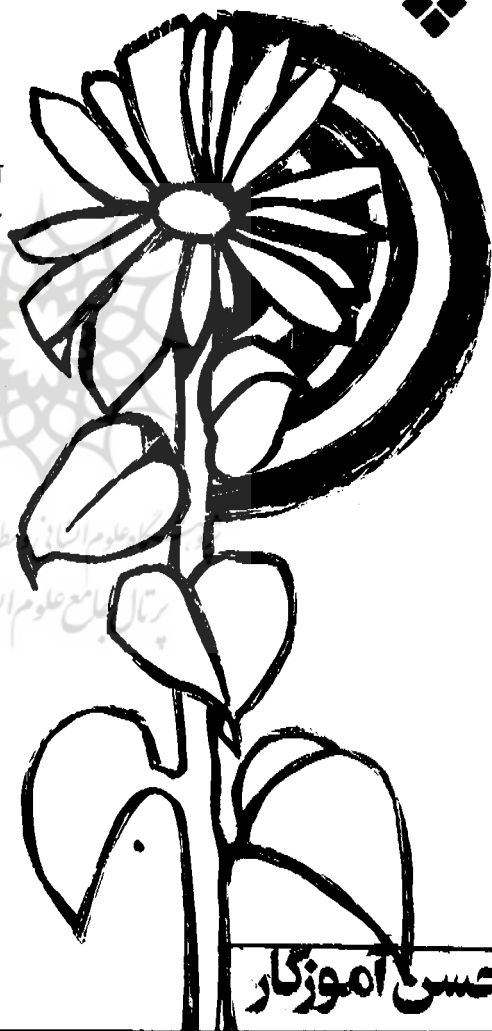


هدف یابی

برپایه اصول و فروع دین

خداوند میفرماید (۱) اینست وصف پروردگار شما که نیست جز او هیچ خدائی و آفریننده هر چیز است. پس او را پرستش کنید که نگهبان همه موجودات است.

مهمترین هدف اسلام و ادیان آسمانی اینست که انسانها را به خداوند یکتا معتقد و آشنا سازند. و هرچاکه اصول دین برشمرده میشود اولین اصل "توحید" است و دینی را که حضرت ابراهیم، حضرت نوح، حضرت موسی و حضرت محمد (ص) بدان دعوت می نموده اند بهمین مناسبت ادیان توحیدی می نامند. براین اساس اولین هدفی که در تربیت اسلامی میتوان نام برد و تحقق دادن به آنرا وظیفه دستگاه تعلیم و تربیت دانست معتقد نمودن اطفال و جوانان و همه مردم، به خدای واحد است. وقتی اعتقاد به خدای یکتا حاصل آمد آنگاه، عدل خدا، بازگشت بخدا (معاد) ارسال رسل از سوی او (نبوت) و ادامه راه انبیاء پس از خاتم الانبیاء (امامت) مطرح



محمد حسن آموزگار

میشود. و بدون حصول اعتقاد به یکنائی خداوند اینهمه متوقف اند.

از رسول خدا نقل است (۲) که فرمودند: جبرئیل بمن گفت که خداوند تعالی می‌فرماید "لااله الاالله" قلعه من است. و هرکه وارد آن شود از عذاب من در امان است. و نیز از رسول خدا نقل است که فرمودند بگوئید "نیست خدائی بجز خدای یکتا" تا رستگار شوید.

قبل از نمازها در هنگام اذان واقامه و در پایان نماز هنگام تشهد می‌گوئیم "شهادت میدهم من که نیست خدائی به غیر از خدای یکتا" و به فرموده حضرت علی (ع) آغاز دین و اساس دین شناختن اوست. و شناختن کامل، تصدیق و گرویدن به اوست. و تصدیق کامل، توحید یعنی یگانه دانستن اوست. (۳)

در آیه $\frac{6}{1}$ که نقل شد، پس از اینکه می‌فرماید خدای یکتا خالق هرچیز است امر میکند که پرستید او را. و میدانیم که بعد از قبول خداوند پرستش مورد پیدا میکند. پس اگر پرستش را هدف تربیت بنامیم توحید قبل از آنست و هدف فراگیرتری است. و اعتقاد موثق به توحید، پرستش را به‌همراه دارد.

پس از حصول اعتقاد به توحید، هرکدام از اصول پنجگانه مذهب تشیع، یا اصول سه‌گانه دیانت اسلام میتوانند یک هدف تربیت بحساب آیند. مثلا "معتقد

شدن معلمان و شاگردان و همگان به معاد که ذکرش در مبحث پیشین گذشت، معتقد ساختن جوانان و کودکان به نبوت، معتقد کردن به امامت و عدل هدف‌اند.

از آنجا که انبیاء پیام رسان خداوند اختصاصا "به اُمتهای زمان خویش بوده‌اند و بعضی از آنان تشکیل جامعه سیاسی و حکومت داده‌اند و شخصا" مرجع برای قوای مقننه و قضائیه و مجریه بوده‌اند بنابراین شناختن تاریخ‌زندگی، روش کار در تبلیغات، زندگانی شخصی و فردی، و نوع ارتباط آنان با مردم و با جامعه برای ما لازم می‌آید، و باعث ایجاد تغییر در ما میشود، و تربیت کننده است. پس پیامبر شناسی خود هدف است.

همچنین است شناسائی امامان زیرا ارتباط انسان با احکام الهی پس از خاتم الانبیاء نمیتواند منقطع فرض شود. زیرا میدانیم که خداوند حافظ دین و کتاب خویش است و می‌فرماید (۴): ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما (محققا) آنرا از آسیب محفوظ خواهیم داشت: و قرآن محفوظ را خداوند بتوسط اتقیاء و صالحان مورد اعتمادی در میان مردم در هر زمان اشاعه میدهد. لذا امام شناختن و ولی فقیه شناختن نیز هدف تعلیم و تربیت است.

در مجموع، اعتقاد پیدا کردن به اصول

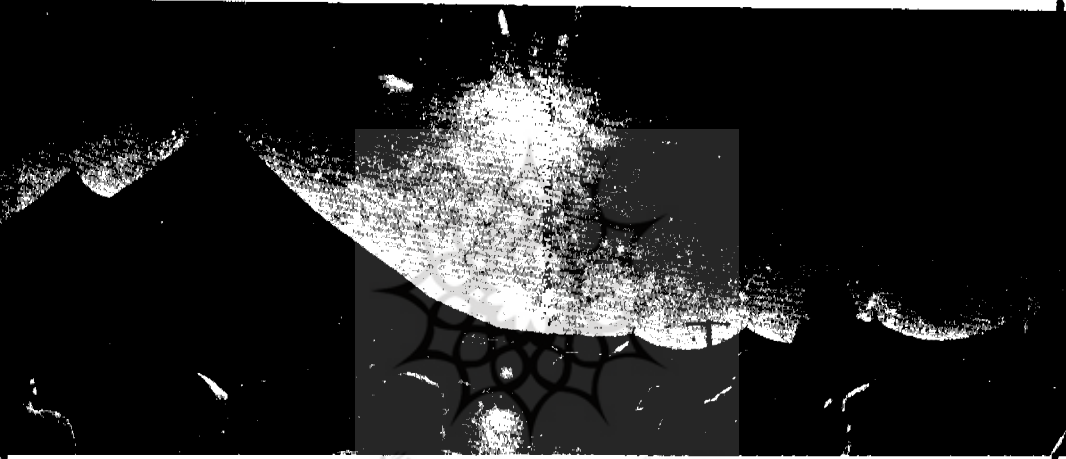
لطفاً "ورق بزنید" ←

بدیهی است که عبادات در تزکیه نفس و تقویت روح و ایجاد اعتماد و اتقان و برقراری حسن روابط اجتماعی مؤثر بوده است، لذا هرکدام از آحاد امت که راه خدا و رسول را می‌پویند بطریق اولی برای حصول پرورش همه‌جانبه، لازم است شخصا "با دقت به عبادات عمل نمایند".

اینکه انسان طبق اعتقادات عمل نمایند تربیت لازم دارد، یعنی اینکه کاری است

دین هدف است، و هدف کلی تر و جامعتری است و بر اعتقاد و عمل به آنچه فروع دین می‌شناسیم تقدم دارد.

فروع دین و عمل به احکام نیز هدف محسوب میشوند، زیرا انبیاء مردم را به شناختن خداوند دعوت میکنند تا انسانها بعد از شناختن و تحصیل معرفت، به عبودیت بپردازند و به احکام عمل نمایند.



آموختنی، و بایستی یاد داد و یاد گرفت، و هم اینکه یاد دهنده بایستی خودش اسوه و نمونه باشد، هم اینکه تذکرات مکرر و مستدام میخواهد، که کار دینداران سطح بالا و مراجع و کار همه رهبران و مدیران در واحدهای اداری و اجتماعی و در نهایت نقش ولی فقیه است. والا انسان فراموشکار است و منفعت فوری می‌طلبد لذا از عبادات غفلت می‌کند، و پشت گوش می‌اندازد، و وقتی عبادت را انجام نداد

عبادت هشتگانه یا دهگانه را میتوان مجتعا "یک هدف تربیت اسلام بحساب آورد. و اگر کسی بی‌اعتنائی کند و تخفیف روادارد به رشدی که شایسته است نمیرسد. و وقتی از اطاعت خدا می‌گوئیم تجلیگاه اطاعت خداوند، همان عبادات هستند. نبی اکرم اسلام شخصا" به یکیک عبادات طبق آنچه به امت دستور داده‌اند عمل می‌کرده‌اند. و وقتی خود رسول الله که اکمل خلق خدایند عبادات را انجام میداده‌اند

میگوید "خدا می بخشد و ارحم الراحمین است" ولی برای منافع دنیائی و اگر منفعتی از دستش بدر رفت اینطور نمیگوید .

برای اینکه جوانان به محض رسیدن به حد تکلیف که برای دختران نه و برای پسران پانزده سالگی است واجبات را انجام دهند . ایجاد این عادت بدواً " کار خانواده و در عین حال وظیفه مدیران و معلمان مدرسه میباشد .

چون به محض رسیدن به تکلیف از همان روز ورود به سن شرعی عبادت واجب را بایستی انجام داد، بنابراین قبل از سن ۱۵ و ۹ بایستی همه واجبات را نوجوانان یاد گرفته باشد . و مسائل لازم و ضروری را بدانند . و این آموزش را یک شبه یا طی یک هفته نمیتوان داد . و از هفته ها و ماهها قبل از رسیدن به سن تکلیف آموزش لازم دارد . مثلاً " پسری که در بیست و پنجم ماه رمضان پانزده سالش تمام میشود روز بیست و ششم ماه رمضان را باید روزه بگیرد .

بنابراین شرائط روزه را باید بدانند ، و قبلاً" تمرینی کرده باشد . و اگر روزه نگرفت ، کفاره باید بدهد . اگر این نوجوان تکالیف واجب شرعی را انجام ندهد علاوه بر اینکه خود او گناه کرده است . پدر و مادر او و معلمین مدرسه ای که در آنجا درس خوانده و هر کدام از بستگان او ، کم یا بیش مسئول اند و لذا گناه کرده اند .

نتیجه اینکه هر کدام از عبادات را

میتوان بعنوان یک هدف تربیت اسلامی برشمرد . مثلاً " بگوئیم یکی از اهداف تربیت اسلام اینستکه فرد مؤمن مسلمان اقامه نماز کند ، حج بیت بجای آورد . زکوة بپردازد ، و ... یا بخاندان رسالت مودت نشان دهد .

اگر معتقد شدن به توحید و نبوت و ... را بمنزله اهداف کلی بشماریم ، اعتقاد آوردن به عبادات و عمل به آنها را به نسبت با آنها میتوان جزئی نامید . چنانچه این اعتقادات کلی و جزئی را هدفی برای وصول به هدفهای عالیتر یعنی ، رضوان الله لقاء الله ، رجعت بخدا ، سلم ، اخلاص و ... رجعت به خدا رسیدن به نفس مطمئنه بدانیم این هدفهای اخیر برتر و فراگیرتر و کلی تر بحساب می آیند . در اینصورت امر بمعروف و نهی از منکر هدفی نیمه راه تلقی میشود که برای وصول به لقاء الله است که هدف غائی تربیت اسلامی است .

(۱) انعام ۶ $\frac{۱۰۲}{۱۰۲}$ ذَاكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاَعْبُدُوْهُ وَهُوَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ
(۲) الفصاحه ۱۳۵۲ - ... يَقُوْلُ اللّٰهُ تَعَالٰى ((اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ)) حِصِّىْ فَمَنْ دَخَلَهُ اَمِنْ مِنْ عَذَابِىْ .

(۳) نهج البلاغه خطبه اول : اَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ ، وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ ، (۴) حَجْر ۱۵ اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاِنَّا لَهٗ لِحٰفِظُوْنَ .